



دیدگاه‌های دکتر غلامعلی حداد درباره پالایش علوم انسانی

سیدمحمدموسوی

بدون علوم انسانی اسلامی به تمدن مستقل نمی‌رسیم

انسان در این تقسیم‌بندی علامه محسوس است؛ یعنی قبل از این که انسان به منزلگاه تولد برسد، مسافر مسیری بوده، با یک کاروانی آمده و به منزلگاه ولادت رسیده است. جهان‌بینی‌ای که چنین اعتقادی نسبت به انسان دارد، آیا راه‌های سعادت را همان راه‌هایی می‌داند که جهان‌بینی مادی می‌داند؟ یعنی معتقد است که انسان یک فرصت محدودی دارد و آن هم بین تولد و مرگ است و بعد از مرگ دیگر خبری نیست و قبل از تولد هم خبری نبوده است؟ ما به حکم انسان‌شناسی مستقل، باید علوم انسانی مستقلی داشته باشیم.^۱

بازسازی علوم انسانی در دستور کار متولیان فرهنگی

الزامات تحول در علوم انسانی از دستورات صریح مقام معظم رهبری و مطالبات جدی ایشان از شورای عالی انقلاب فرهنگی است. شخص رهبری به این امر تأکید ویژه دارند و مهمترین تصمیمات شورای عالی انقلاب فرهنگی در این باره، بعد از دیدار ایشان با استادان دانشگاه در ماه رمضان گذشته، اتخاذ شد که یادآوری ایشان بر ضرورت اجرای آن بسیار مؤثر بود.^۲

چرا علوم انسانی مستقل؟

مراد از علوم انسانی، به سعادت رسیدن انسان است. در این صورت باید بگوییم این سعادت تابع تصوّراتی است که ما از انسان داریم. تصویری که از انسان در جهان‌بینی الهی هست با تصویری که از انسان در جهان‌بینی مادی وجود دارد، متفاوت است. علوم انسانی الهی نمی‌تواند با علوم انسانی مادی یکی باشد و نتایج علوم انسانی الهی با علوم انسانی مادی یکی نیست.

ما در جهان‌بینی الهی شناخت خاصی از انسان داریم و انسان را موجودی مادی نمی‌دانیم که هستی‌اش با تولد آغاز و با مرگ پایان پذیرد. برای انسان قبل از تولد معنایی قایلیم و بعد از مرگ به ادامه وجود قایلیم و مرگ را پایان هستی انسان نمی‌دانیم، بلکه آغاز یک زندگی ابدی گسترده‌تری می‌دانیم. ما انسان را محصول تجمع و برخورد کور و کر مولکول‌ها و اتم‌های مادی نمی‌دانیم. انسان را علاوه بر این پیکر مادی، دارای یک روح الهی نیز می‌دانیم. استاد مرحوم آیت‌الله طباطبایی ۷۰ سال پیش سه رساله نوشتند به نام «الانسان قبل الدنيا، فی الدنيا و بعد الدنيا». تفکر الهی راجع به

ما به حکم انسان‌شناسی مستقل، باید علوم انسانی مستقلی داشته باشیم.

ما هویت انقلاب اسلامی را در تاسیس یک علوم انسانی جدید می‌دانیم و معتقدیم مادام که نتوانیم به چنین هدفی دست پیدا کنیم، انقلاب اسلامی ما جز یک تغییر ساده در ساختارهای سیاسی، چیز دیگری نخواهد بود.

در علوم انسانی غربی، عوامل مؤثر بر رفتار انسان، عوامل مادی است. این عوامل فردی است و به خودمان مربوط است.



کمالی که برای هر چیز در نظر گرفته می‌شود، با شناختی که نسبت به آن حاصل می‌شود، ارتباط دارد.

تفاوت‌های علوم انسانی الهی و غربی

در انسان‌شناسی الهی ما هم با عالم درون و هم با محیط بیرون کار داریم، یعنی هم عالم درون برای خودش یک شأن مستقیم دارد و هم محیط بیرون برای عناصر مادی؛ ما باید عوامل مادی و عوامل معنوی هر دو را دخالت بدهیم. در علوم انسانی غربی، عوامل مؤثر بر رفتار انسان، عوامل مادی است. این عوامل فردی است و به خودمان مربوط است. روان‌شناسی، فیزیولوژی یا عوامل اجتماعی و تاریخی جامعه روی اینها اثر می‌گذارد، اما هر چه هست از یک صنف و در یک ساخت است؛ یعنی انسان یک موجود تک‌ساختی است، چه عواملی از درون بر رفتار او اثر بگذارد، چه عواملی از بیرون. همه در یک سطح و ساخت است، اما اگر شما جهان‌بینی الهی را در نظر بگیرید، انسان خودش یک موجود تک‌ساختی نیست، ساخت‌های گوناگون وجود دارد که این ساخت‌ها در رفتار او تأثیر می‌گذارند و در هستی او دخیل هستند و در وجود او مؤثرند.^۱

بدون علوم انسانی اسلامی به تمدن مستقل نمی‌رسیم

رسیدن به اهداف امام خمینی ره و خارج شدن از زیر لوای تمدن غربی و داشتن تمدن مستقل اسلامی بدون علوم انسانی اسلامی ممکن نخواهد بود. اگر تمدن اسلامی می‌خواهیم، باید علوم انسانی اسلامی داشته باشیم، در غیر این صورت آن‌چه که به جامعه ما شکل می‌دهد، همان علوم انسانی غربی خواهد بود.^۲

در حوزه علوم انسانی باید نهضت استقلال طلبانه ایجاد شود

مشکل علوم انسانی پیش از آن‌که کمی باشد کیفی است. در تذکر رهبر معظم انقلاب، منظور ایشان افزایش تعداد کتاب نیست، بلکه آنچه که تولید می‌شود به لحاظ محتوا، جای تأمل و بررسی است. ریشه اصلی این مشکل باید در دانشگاه‌ها و در محتوای کتاب‌های درسی بررسی شود، باید نهضت استقلال طلبانه‌ای در حوزه علوم انسانی پدید آید که از لحاظ محتوای علوم انسانی، تقلید کورکورانه از کشورهای غربی صورت نگیرد و به کتاب‌های آنها به عنوان منبع در این حوزه نیز استناد نشود.^۳

مادام که از نظر علمی عقب باشیم، خودباختگی در برابر فرهنگ دنیایی که از نظر علمی بر ما مسلط است، بر ما ادامه خواهد داشت.

هویت انقلاب اسلامی

نگرش نسبت به علوم انسانی از تفاوت‌های اصیل فکری و فرهنگی ما با جهان غرب است. ما هویت انقلاب اسلامی را در تأسیس یک علوم انسانی جدید می‌دانیم و معتقدیم مادام که نتوانیم به چنین هدفی دست پیدا کنیم، انقلاب اسلامی ما جز یک تغییر ساده در ساختارهای سیاسی، چیز دیگری نخواهد بود. در چنین میدانی است که ما احتیاج به هم‌فکری و استفاده از دیدگاه‌های ایشان داریم.^۴

هدف از بازسازی علوم انسانی

ما به عنوان مسلمان و به عنوان امتی که وارث ۱۴ قرن معنویت و فکر و فلسفه و عرفان و فرهنگ معنوی اسلامی هستیم، نمی‌خواهیم کورکورانه راهی که در یکی دو قرن گذشته در کشور از آن پیروی شده و امروز در برخی از کشورهای اسلامی نیز پیروی می‌شود ادامه دهیم. کار ما بازسازی علوم انسانی است تا هم عالم درون و

اسلامی کردن دانشگاه‌ها یک انتظار مهم از وزارت علوم، تحقیقات و

فناوری است که شورای عالی انقلاب فرهنگی و حوزه‌های علمیه و

همه باید در راه تحقق آن کمک کنند.

رسیدن به اهداف امام خمینی ره و خارج شدن از زیر لوای تمدن

غربی و داشتن تمدن مستقل اسلامی بدون علوم انسانی اسلامی

ممکن نخواهد بود.

عناصر متعالی معنوی جدی گرفته شده و هم محیط بیرون که با جنبه‌های حسی تجربی سر و کار دارد، نادیده انگاشته نشود. در دنیای پیرامون حرف از برابری و برادری زده می‌شود، اما روزی نیست که به دست مدعیان این مفاهیم، آزادی و عدالت زیر پا نهاده نشود. ما خواهان تحول در چنین دنیایی هستیم و از همه دانشمندانی که برای به رسمیت شناختن حقیقت متعالی تلاش می‌کنند، تشکر و به آنها ادای احترام می‌کنیم.^۵

احیای تفکر و فرهنگ اسلامی

ما می‌خواهیم به برکت انقلاب اسلامی، یک فرهنگ و تمدن اسلامی ایجاد کنیم و در این فرهنگ و تمدن اسلامی، علوم انسانی ما باید اسلامی باشد.^۶



انسان‌شناسی در چینه مناسبی برای شناخت فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست.

در تفکر اسلامی انسان تنها یک موجودی مادی نیست، بلکه بر خوردار از یک روح الهی است.

استقلال فرهنگی در رأس شعارهای فرهنگی

منظور از "استقلال" در شعارهای انقلابی مردم ایران، استقلالی همه‌جانبه است. استقلال فرهنگی در رأس این استقلال قرار دارد و مادام که از نظر علمی عقب باشیم، خودباختگی در برابر فرهنگ دنیایی که از نظر علمی بر ما مسلط است، بر ما ادامه خواهد داشت.^۹

اسلامی کردن دانشگاه‌ها یک انتظار مهم از وزارت علوم

اسلامی کردن دانشگاه‌ها یک انتظار مهم از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است که شورای عالی انقلاب فرهنگی و حوزه‌های علمیه و همه باید در راه تحقق آن کمک کنند، اما به هر حال مدیریت این کار و تحقق آن به وزیر علوم، تحقیقات و فناوری مربوط می‌شود.^{۱۰}

ریشه اختلاف در علوم انسانی

اختلاف در فنون و علوم و از جمله علوم انسانی به این باز می‌گردد که تصور از کمال و سعادت در فرهنگ‌ها و تمدن‌ها متفاوت است. کمالی که برای هر چیز در نظر گرفته می‌شود، با شناختی که نسبت به آن حاصل می‌شود، ارتباط دارد. کمال در واقع بهترین حالتی است که شیء می‌تواند در آن قرار بگیرد.^{۱۱}

تفاوت بنیادی علوم انسانی غربی و اسلامی

علوم و فنون ابزارهایی برای رسیدن به کمال و سعادتند و با تفاوت کمال‌ها و انسان‌شناسی غربی، میان علوم انسانی غربی و میان علوم انسانی در فرهنگ اسلامی، تفاوتی بنیادی وجود خواهد داشت. در ضمن به این نکته نیز باید توجه داشت که انسان‌شناسی در چینه مناسبی برای شناخت فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست. البته این مسئله متفاوت از این مطلب است که آیا انسان‌شناسی تنها در چینه یا مناسب‌ترین نظرگاه برای شناخت فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست یا خیر.^{۱۲}

علوم انسانی در فرهنگ غربی

علوم انسانی در غرب یعنی همه آن چیزهایی که هم توصیف انسان است و هم برای انسان تعیین تکلیف می‌کند. در غرب همه

مطالب مربوط به انسان را از دانشمندان علوم انسانی می‌پرسند. دیگر وحی درباره انسان حکم نمی‌کند. انسان غربی امروز وقتی می‌خواهد بداند که تکلیفش چیست و سرنوشت و سعادتش کدام است، به سراغ مکاتب فلسفی و حوزه‌های علوم انسانی می‌رود و از مجموعه این علوم انسانی است که می‌پرسد من چه باید بکنم.^{۱۳} جریان پر قدرتی که در دانشگاه‌های غربی به علوم انسانی شکل و جهت می‌دهد، به این تعریف که «انسان از جمله حیوانات مادی است»، معتقد است و به هیچ وجه در وجود انسان جنبه متعالی و مقدسی که اصالت داشته باشد، در نظر نگرفته است. در تعیین سرنوشت انسان در فرهنگ جدید غرب، مسئله غیبت و آخرت و معاد و جهان دیگر تعیین‌کننده نیست.^{۱۴}

علوم انسانی در فرهنگ اسلامی

در اندیشه اسلامی، تعریفی که از انسان شده با تعریف انسان در غرب متفاوت است. آنچه در قرآن مطرح شده است وصف آفرینش انسان را بیان می‌کند که: «ایا پنداشته‌اید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و به راستی شما به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟» این نکته را یادآور می‌شود که انسان عبث نیامده و به سوی خدا بازگردانده می‌شود و مرگ نه پایان هستی، بلکه شروع حیاتی وسیع‌تر و غنی‌تر است و این دو نوع تفکر و شناخت از انسان و دو نوع انسان‌شناسی، دو تصور متفاوت از سعادت را به دنبال دارد.

در اندیشه اسلامی، توجه به این مسئله که انسان در این دنیا موقت خواهد بود و حیات دائمی در آخرت است، به این معنی نیست که زندگی دنیایی را رها کند و بی توجه به آن باشد، بلکه در احادیث آمده است که انسان در عین توجه به جهان آخرت، بایستی طوری زندگی کند که گویی همیشه در این جهان خواهد بود. در تفکر اسلامی انسان تنها یک موجودی مادی نیست، بلکه برخوردار از یک روح الهی است، آن‌جا که در قرآن درباره آدم خطاب به فرشتگان می‌گوید: «چون او را موزون بر آوردم و در آن از روح خویش دمیدم، پس به پیشگاه او به سجده درافتید.» هیچ انسان‌شناسی بدون توجه به این معنا نمی‌تواند در فرهنگ اسلامی، به عنوان انسان‌شناسی اسلامی مطرح شود. از دو طریق ما می‌توانیم این مطلب را ثابت کنیم که انسان تماماً ماده و مادی





در چندصد سال اخیر پیش از انقلاب اسلامی، ما تهی شده بودیم و شاید به تعبیر قرآن کریم، خدا را فراموش کرده بودیم.

از جمله پیش‌نیازهای بومی کردن علوم انسانی در ایران، مبتنی کردن این علوم بر پایه‌های عقلی و فلسفی است.

فلسفه علوم انسانی وارداتی

در پشت هر یک از علوم انسانی وارداتی، فلسفه‌ای وجود دارد. ما باید این فلسفه‌ها را بشناسیم و نقد کنیم و اگر فلسفه‌ها منطبق بر فرهنگ ما بود، از این ریشه‌ها (فلسفه‌ها) و میوه‌ها (علوم) بهره‌مند شویم، اما اگر نتوانستیم با برهان و استدلال مبانی را بپذیریم، نمی‌توانیم از علوم متأثر از آن مبانی استفاده کنیم.^{۲۰}

سراشویی نابودی

در چندصد سال اخیر پیش از انقلاب اسلامی، ما تهی شده بودیم و شاید به تعبیر قرآن کریم، خدا را فراموش کرده بودیم. به هر حال ما از خودمان بیگانه شده و دست در یوزه به سوی بیگانه دراز کرده بودیم و سایه‌وار و بی‌اختیار و تهی از خود به دنبال هیاهویی به نام تمدن غرب می‌رفتیم و هر قومی به این وضع برسد، در سراشویی نابودی قرار می‌گیرد.^{۲۱}

پی‌نوشت‌ها:

۱. ضرورت علوم انسانی الهی، باشگاه اندیشه، ۸۳/۸۲۶.
۲. روزنامه قدس، ۸۹/۲/۱۹.
۳. جشنواره بین‌المللی فارابی، دومه‌نامه، شماره نهم / خرداد و تیر.
۴. دانا نیوز، ۸۷/۱۰/۸.
۵. ضرورت علوم انسانی الهی، باشگاه اندیشه، ۸۳/۸۲۶.
۶. همان.
۷. پایگاه خبری انصاریوز، ۸۸/۸/۱۵.
۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸۹/۲/۲۲.
۹. ۸۸/۶/ ۱۸. معارفه وزیر علوم، تحقیقات و فناوری.
۱۰. ۸۸/۶/ ۱۸.
۱۱. بررسی نظرات حداد عادل در زمینه علوم انسانی، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸۷/۱۰/۳۰.
۱۲. همان.
۱۳. همان.
۱۴. همان.
۱۵. همان.
۱۶. همان.
۱۷. شبکه خبر دانشجو، ۸۷/ ۲۹، در همایش «نقش علوم انسانی در توسعه ملی».
۱۸. همان.
۱۹. ایرنا، ۸۷/۱۱/۱۵.
۲۰. همان.
۲۱. سایت خبری تحلیلی فرهنگ انقلاب اسلامی ۸۹/۲/۲۱.

نیست. یکی از طریق وحی و آنچه در قرآن در مورد انسان و نقش و جایگاه و مقام او آورده شده و دوم از طریق عقل. زمانی که از علوم انسانی اسلامی سخن می‌گوییم، منظورمان شناخت انسان است، به نحوی که هم ماهیت الهی و هم ماهیت مادی او ملحوظ شده باشد.^{۱۵}

انسان‌شناسی اسلامی و غربی

در انسان‌شناسی اسلامی، اگر شرایط مادی خارجی متشابه برای افراد متفاوت یا برای یک فرد در دو زمان متفاوت فراهم شود، نمی‌توانیم مطمئن باشیم که واکنش آن دو انسان در قبال آن شرایط خارجی متشابه یکسان باشد، چون ممکن است در وجود انسان حقیقتی بروز کند و ابتکار عمل را به دست گیرد که خود تابع ضوابط علوم تجربی و مادی نباشد، اما در فرهنگ مادی غرب علوم تجربی بر این اصل بنا شده که یک حادثه را می‌توان تکرار کرد و نتایج آن را پیش‌بینی نمود.^{۱۶}

ضعف رشته فلسفه علم در کشور

متأسفانه رشته فلسفه علم در کشور هم جدید و هم ضعیف است و متفکران ما آن قدر که به علم و مظاهر و نتایج آن توجه می‌کنند، به مبانی علوم توجهی ندارند.^{۱۷}

راهکار نوسازی علوم انسانی در کشور

باید در یک فعالیت تحقیقی علمی و استدلالی بررسی کنیم که کدام اصول علوم انسانی را قبول داریم و باید به آن عمل کنیم و کدام را قبول نداریم و سخن رهبر معظم انقلاب نیز ناشی از درک همین واقعیت است.^{۱۸}

پیش‌نیاز بومی کردن علوم انسانی

از جمله پیش‌نیازهای بومی کردن علوم انسانی در ایران، مبتنی کردن این علوم بر پایه‌های عقلی و فلسفی است. علوم انسانی نظیر درخت‌هایی هستند که ما نباید فقط به ثمره‌ها و میوه‌هایشان توجه کنیم، بلکه آنچه باید مدنظر ما قرار گیرد، ریشه‌ها است که به واسطه پنهان شدنشان در زیر خاک به چشم نمی‌آیند.^{۱۹}